

آینه

تصاویر

دولت روحانی «تفکیک جنسیتی» را انکار گذاشت

● جعفر توفیقی: تفکیک جنسیتی در دولت نهم و دهم به‌عنوان یک سیاست خیلی جدی پیگیری می‌شد اما در دولت یازدهم چنین اعتقادی وجود نداشت و ضرورتی به این کار دیده نمی‌شد بنابراین آن سیاست ادامه پیدا نکرد و همان‌گونه که شما گفتید وزارتخانه همچنین سیاستی ندارد ولی در موارد خیلی محدود مثل دانشگاه علامه هنوز این مسئله پابرجاست که درواقع مداوم سیاست‌های دولت قبلی است و احتمالاً دانشگاه هم مثلاً در انتظار است که وزارت علوم نظر شفاف‌تری در این خصوص بیسان کند تا این سیاست را تغییر دهد اما درحال نقطهٔ مثبت این است که این روند ادامه پیدا نکرد و درحال‌حاضر پدیده‌ای فراگیر در نظام آموزش عالی کشور نیست و هرچه مانده به صورت بسیار محدود و میراث دولت گذشته است. بحث ستاره‌دارها هم قطعاً به آن وسعت و ابعاد قبلی نیست اما من هم بعضاً شنیده‌ام که هنوز مواردی مشاهده می‌شوند. به نظر من این‌کندی‌هایی که در برخی موارد مشاهده می‌شود که وزارت علوم هنوز با احتیاط دارد یا برخی مسائل برخورد می‌کند بخشی‌اش برمی‌گردد به همان فضایی که در مجلس نهم بوده و برخی خواهان تداوم این سیاست‌ها بودند و بارها وزیر و معاونانش را به کمسیون آموزش خواسته‌اند تا در مورد سیاست‌های‌شان توضیح دهند یعنی به نظر من این عدم هم‌سویی که بین بخشی از سیاست‌های دولت یازدهم و بخشی از نمایندگان مجلس است عملاً پیشرفت امور و تغییر و تحولات را با کندی مواجه کرد.



فرجام‌دیپلماسی لیخند

● سیدعبدالله متولیان: واقعیت این است که دیپلماسی خواهشمندانه بیشتر جنبه ایزوله‌ای، ناتوانی و دفاعی دارد و بعید است که با توجه به سوابق حرفان ما در عرصه سیاست بین‌الملل جواب بدهد. بنابراین شایسته است که به سمت یک دیپلماسی فعال و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و آن هم به شکل تهاجمی باشیم و درعین‌حال دولت محترم مدبرانه به اتخاذ رویکردهای عملی درخصوص اقتصاد مقاومتی و درون‌زا پردازد. راه برون‌رفت از مشکلات کشور، همان خطوط اصلی اقتصاد مقاومتی است که باید از تئوری و برگزرای همایش خارج شده و جنبه عملیاتی پیدا کند. با توجه به تجربه گرانشک دولت در ناموفق‌بودن دیپلماسی لیخند و با عنایت به تأکید مقام معظم رهبری، لازم است دولت جنت آقای روحانی با پرهیز جدی از توهم و خیال‌بافی مبتنی‌بر تعامل با کدخدا (شیطان اکبر و طاغوت اعظم) تلاش کند در فرصت باقی‌مانده از عمر خود به تحقق عدالت اجتماعی، مبارزه با رانت‌خواری، اقدام جدی علیه تبعیض و رفع فاصله طبقاتی، رفع موانع تولید، احیای بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط، ازبین‌بردن رکود و بیکاری، ساماندهی نظام صادرات و واردات و جلوگیری از واردات کالاهای لوکس و کالاهایی که مشابه داخلی دارند، کاهش تصدی‌گری دولت، ازدیاد ثروت ملی و تکثیر تولید پرورداخته و با ورود به دیپلماسی انقلابی و عزتمندانه، مرگ دیپلماسی لیخند را اعلام نماید.

ایران

تسویه‌حساب سیاسی به بهانه فیش‌های حقوقی ممنوع

● علیرضا رحیمی: ریشه موضوعی که این‌ روزها در مجلس دهم نیز مورد بحث و پیگیری قرار گرفته است به تبعیض و تفاوتی بازمی‌گردد که در اثر ماده ۵۰ قانون پنج‌م توسعه فضای سواستفاده‌ای و تبعیض‌ها را فراهم آورده است. آنچه مسلم است، این قانون هم در مجالس گذشته تدوین شده و هم در دولت گذشته به اجرا درآمده است. همچنین موضوعاتی که از طرف برخی رسانه‌ها مطرح می‌شود، مربوط به بانک‌ها و بیمه‌ها است و به نظام هماهنگ پرداخت ارتباطی نداشته است. لذا قاعدتا تفاوت پرداخت‌ها برای مدیران ارشد نباید مستمسکی برای تضعیف دولت و نادیده‌گرفتن خدماتی که دولت برای مردم انجام داده است باشد.

دولت ایران

پرسشی از اندرونی دولت آقای روحانی

● مهدی محمدی: دولت آقای روحانی می‌تواند و شاید هم لازم است همچنان وزیر امور خارجه خود را این‌سو و آن‌سو به‌خوبان راضی‌کردن جان کری بفرستد ولی آنچه باید در دولت به آن بیندیش این است که واقعا در کدام حوزه‌ها می‌خواهد و می‌تواند تغییر محاسبه بدهد تا در چشمه خشکیده تعلیق تحریم‌ها آبی بیفتد. حتی اگر دولت بخواهد، ایجاد تغییر محاسباتی در بسیاری از این حوزه‌ها غیرممکن است ازجمله به این دلیل که افکار عمومی نه‌تنها در قبال این حوزه‌ها در موضع «دوقطبی انکاری» به‌سر نمی‌برد بلکه سرسختانه هوادار سیاستی است که فی‌ال‌مثال اکنون نظام در حوزه منطقه‌ای در پیش گرفته است بنابراین اگر کسی تصور کند می‌تواند با نشان‌دادن درونمای تغییر محاسباتی در این حوزه‌ها اندکی دل آمریکایی‌ها را نرم کند، باید بداند در حال ریسک بر سر آینده سیاسی خود بیش چشم ملت ایران است. این یک مورد ساده بر وضعیتی است که در آن قرار داریم. سؤال‌ها همه است اما پاسخ‌های آسانی وجود ندارد. اگر تبدیل‌کردن تعلیق حقوقی تحریم‌ها به تعلیق حقیقی فقط از مسیر تغییر محاسباتی ایران عبور کند، این مسیر مسدود است اما اگر راه دیگری وجود داشته باشد— که وجود دارد- ظاهر دولت ناچار است دیدی را ی‌زود به آن ملحق شود.

ج؛ چه‌گوارا یا چمران؟ انقلابی

بی‌سرزمین که ماوایش ویرانه‌های جنوب لبنان شد، یا شاگرد ممتازی که دست تقدیر پایان زندگی‌اش را بر خاک تف‌دیدهد جنوب ایران رقم زد؟ مخالفانش روایت درستی از او دارند یا موافقانش؟ یا آنها که ستایشگر قرائت رسمی از او هستند؟ مانند مهدی چمران که کم‌کم در ظاهر هم خود را شبیه برادرش کرد. از چهره خاص خود فاصله گرفت و با بلندکردن محاسن بیش‌ازپیش شبیه مصطفی شد و تا آنجا پیش رفت که در برابر شبیه‌تر است؟ چمران قبل از انقلاب یا چمران بعد از انقلاب، چمران صور و بیروت یا چمران جنگ‌های نامنظم یا چمران پاوه؟

سیاسی‌شدن چمران از حضورش در کلاس‌های درس مهدی بارزگان در دانشگاه تهران آغاز می‌شود و با حضور در شرکت ساختمانی ۱۱ استاد اخراجی این دانشگاه، با چهره‌های دیگری مانند مهندس سحابی نیز آشنا می‌شود. چمران از بورسیه دولتی شاگردممتازهای دانشگاه تهران استفاده کرده و برای ادامه تحصیل وارد آمریکا می‌شود. از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ را در آمریکا سپری کرد و دکترای گرفت. همین‌جاست که به فعالیت‌های دانشجویی و مبارزاتی ادامه داده و به‌همین‌دلیل هم از بورسیه دولتی محروم می‌شود. چمران در آمریکا هم درس می‌خواند، هم مبارزه می‌کند و هم عاشق می‌شود. چمران البته پیش‌تر از زمان دانشگاه هم، حضور محروم آیت‌الله طالقانی را درک کرده بود. نسبت به اوضاع سیاسی حساس بود و از نخستین اعضای انجمن اسلام دانشگاه تهران هم محسوب می‌شد.

آشنایی با تامسن

مصطفی در ایام حضورش در آمریکا با زنی به نام تامسن آشنا می‌شود که بعدا دانش به پروانه تغییر پیدا می‌کند. از تامسن اطلاع زیادی در دست نیست. جز اینکه ازدواج آنها به تاریخ ۱۳۴۰ بوده است. مسلمان و صاحب سه فرزند شده است به نام‌های روشن، رحیم و داریوش (در برخی منابع جمال)؛ یکی از فرزندان چمران در کودکی در استخر خانه پدر هسسر مصطفی غرق شد. فرزندان دیگر او اکنون هرکدام در شهری در کناره غربی آمریکا زندگی می‌کنند. فرزندان که برخلاف پدرشان در زمره دانشمندان و پژوهشگران آمریکا قرار نگرفتند، سایات امام موسی صدر به طلبی، از یکی از یادداشت‌های سارا، نوه دختری مصطفی، نوشته بود که می‌خواسته بداند پدربزرگش کیست. در این یادداشت به این بهانه، به زندگی تامسن و فرزندان چمران پرداخته بود. براساس این یادداشت، پسران چمران در آتش‌نشانی و شرکت صنایع چوب مشغول به کار بودند. وی‌پسونده به نقل از مطالب سارا، دختر روشن، چنین برداشت کرده بود: «نوشته‌های سارا— که پس از جدایی مادر و پدرش با پدرش زندگی می‌کرد- نشان می‌داد که دایی‌هاش حاضر نیستند درباره پدرشان صحبت کنند و با مرگ مادر-بزرگ راز بزرگی از دسترس او پنهان مانده است». مصطفی با عشق با تامسن ازدواج می‌کند، اما ظاهرا عشق مورد انتظار چمران نبوده است. چمران بعد از ماجرای جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل تصمیم به ترک آمریکا می‌گیرد. تامسن به همراه سه فرزندش هم او را همراهی می‌کنند؛ اما زندگی آنها دوام نمی‌آورد. خودش دراین‌باره می‌گوید: تا اینکه تصمیم گرفتم از آمریکا خارج شوم به‌ویژه بعد از جنگ ۱۹۶۷ بین اعراب و اسرائیل. شاید بدانید که تهمت و افترا و سرکشستگی عرب و اسلام به‌طورکلی به حدی بود که برای من قابل تحمل نبود. بنابراین تصمیم گرفتم آمریکا را ترک کنم».

سراژ جدایی

کوچه‌ها و خیابان‌های جنگ‌زده لبنان پایان زندگی مشترک مصطفی و تامسن بود. او دراین‌باره می‌گوید: «از – پروانه - من می‌خواستم عشق زن را با پرستش خدای یگانه مخلوط کنم… می‌خواستم زندگی ناشسویی را به پرستش و فنا و وحدت - حالت - پرستش خدا بشمارم… می‌خواستم هستی را در خدا و خدا را در پروانه خلاصه کنم ولی او چنین ظرفیتی نداشت و شاید دیگر کسی پیدا نشود که چنین ظرفیتی داشته باشد درک این واقعیت یک یاس فلسفی در من ایجاد کرده…» آن‌طور که همه روایت‌ها قرائت می‌کنند، ظاهر پروانه اول با مصطفی به مصر و بعد به لبنان می‌رود اما شرایط جنگی لبنان و فعالیت چریکی مصطفی او را وادار می‌کند که به همراه سه فرزندش به آمریکا بازگردد. در سایتی به نام «باز چمران»، مطلبی به نقل از ربابه بدر، خواهر امام‌موسسی‌صدر، دراین‌باره آمده است که صحت و سقم آن نیاز به تأیید دارد. در این مطلب آمده است: «روزی که چمران خانواده‌اش را به فروردیه می‌برد، من همراهی امام موسی صدر جنبش امل را که شاخه نظامی حرکت‌المحرومین تمام طول مسیر گریه می‌کرد، یعنی درنهایت عشقی

سیاست



زندگی و شهادت یک چریک

کدام چمران

مرجان توحیدی

که به همسر و فرزندان‌ش داشت، آنها را ترک کرد. اما مسئله مبارزه آن‌قدر برایش مهم بود که راضی به این جدایی شد. پس از مدتی هسسر چمران تلاش کرد تا وی را وادار کند تا هر از گاهی به دیدن آنها برود، اما چمران گفت دیگر تمام شد». چمران هسسر و سه فرزندش را به‌این‌ترتیب ترک می‌کند و تا زمانی که در قید حیات است آنها را نمی‌بیند.

فعالیت سیاسی در آمریکا

چمران اما در مدتی که در آمریکا حضور دارد، فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه می‌دهد که ازجمله آنها عضویت در انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کاناداست. محمد هاشمی از اعضای این تشکل در گفت‌وگویی که با تاریخ ایرانی داشته، می‌گوید: «دانشجویان ایرانی دست به ایجاد انجمن‌های دانشجویی زدند. این انجمن‌ها در یک سازمان دیگر تمرکز یافتند که به آن کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی می‌گفتند… در درون این کنفدراسیون، جوانان مسلمان حضور داشتند اما دارای تشکیلات یا حزب خاصی نبودند. من در سال ۱۳۴۸ به آمریکا و شهر برکلی رفتم، اتفاقا همان زمان جلسه کنفدراسیون نیز در همان‌جا برگزار می‌شد. حدود دو هزار دانشجوی ایرانی از سراسر آمریکا برای شرکت در این جلسه حاضر شده بودند، باین‌حال در این کنگره بحثی از اسلام نبود. در حاشیه این کنگره با شهید چمران، ولی و امین سیادت و خانم اكرم حریری آشنا شدم، همه این افراد از روشنفکران مسلمان و عضو کنفدراسیون می‌بودند اما تشکیلاتی برای هماهنگی‌شان وجود نداشت. درنهایت تصمیم بر آن شد تا تشکیلاتی اسلامی به وجود آوریم. بنا بر این تصمیم، نامه‌ای

برای آیت‌الله بهشتی فرستادم تا برای نمایندگی انجمن اسلامی در آمریکا اقداماتی صورت پذیرد. ایشان به سرعت جواب دادند و اسامی چند نفر که گمان می‌کردند می‌توانند در این انجمن مؤثر باشند نیز به همراه نامه برای من ارسال کردند؛ از جمله اسامی مصطفی چمران، ابراهیم یزدی، فیروز پرتوما، محمد روغنی‌زاده، بهرام آریایی و محمد ایزدی. من تمام این افراد را برای برپایی یک انجمن اسلامی در دانشگاه برکلی دعوت کردم. بعد از این جلسه در سال ۱۳۴۹، هسته اولیه انجمن اسلامی فارسی زبان دانشگاه‌های آمریکا و کانادا شکل گرفت».

هجرت به مصر ولبنان

مصطفی بعد از حضور و فعالیت در انجمن دانشجویان آمریکا که باعث قطع‌شدن بورسیه تحصیلی او می‌شود، برای آموزش دیدن فعالیت‌های چریکی عازم مصر و از آنجا هم راهی لبنان می‌شود. در مصر به مدت دو سال، در زمان عبدالناصر، سخت‌ترین دوره‌های چریکی و جنگ‌های پارتیزانی را می‌آموزد. او سپس مصر را به مقصد لبنان ترک می‌کند تا بتواند پایگاه آموزش فعالیت‌های چریکی‌ای را برای مبارزان ایرانی ایجاد کند. اما شاید پاسخ به این سؤال بد نباشد که چرا چمران به جای مصر و لبنان به ایران سفر نمی‌کند. در سیات باز چمران در همین باره به نقل از او، نوشته شده است: «به علت مبارزات سیاسی امکان بازگشت به ایران به هیچ‌وجه عملی نبود. همان روزگاری که دوست شهیدم «دکتر علی شریعتی» به تهران آمدند، قرار بود که من هم همان روزها به تهران برگردم و حتی ماشینی خریدم و با زن و بچه تا عراق هم آمدم، اما از ایران به ما خبر دادند که پرونده‌ات آن‌قدر سنگین است که اگر وارد ایران شوی سرت را زیر آب خواهند کرد و بهتر است برگردی و به همین علت بود که به لبنان رفتم و مدت هشت سال نیز در جنوب لبنان بودم و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توانستم به ایران بیایم». چمران در لبنان با همکاری امام موسی صدر جنبش امل را که شاخه نظامی حرکت‌المحرومین

از مصطفی تعریف کرده است. از اینکه چمران به دنبال او بوده است تا هدایت مؤسسه‌ای که بچه‌های یتیم را نگهداری می‌کرده، به او بپردازد. از اینکه روزی روسری به او هدیه می‌دهد و غاده این‌چنین محجبه می‌شود. غاده او را تا ایران همراهی می‌کند. با وجود آنکه از خانواده مرفهان لبنان است، اما در نهایت همراه مصطفی بعد از اینکه به ایران می‌آید و حتی در ماجرای پاوه، در کنار مصطفی است.

بازگشت به ایران و حضور در پاوه

مصطفی سی‌ام بهمن ۵۷ به ایران باز می‌گردد و با حکم بازرگان، معاونت نخست‌وزیری را بر عهده می‌گیرد.

اولین حضور و مواجهه چمران در ایران، ماجرای پاوه است که شرح آن مجال دیگری را می‌طلبد و در این مقطع فقط به ذکر ماجراهای بعد از پاوه اشاره می‌شود. چمران بعد از حضورش در پاوه، از طرف امام خمینی، فرماندهی منطقه را بر عهده می‌گیرد و ماجرا را پایان می‌دهد. چمران بعد از این ماجرا با حکم امام خمینی به وزارت دفاع منصوب می‌شود. اصلاح و پاک‌سازی ارتش هم از دیگر مواردی است که او در زمان حضورش در وزارت دفاع انجام می‌دهد و بعد خود را برای نامزدی در اولین دوره انتخابات مجلس آماده می‌کند. حالا چمران مخالفان و موافقانی دارد که علیه و له او، شعار مرده باد و زنده باد سر می‌دهند.

چمران و نهضت آزادی

چمران از اعضای هیات مؤسس نهضت آزادی در خارج از کشور به شمار می‌رود. اگرچه منابعی است که بعد از انتخابات مجلس، اول فهرستی را بر دیوارهای مجلس زده بودند که حامیان آمریکا باید اعدام شوند. از بازگان تا یزدی و آن وسط نام چمران هم دیده می‌شد. اما بعد از شهادتش، نام او را در آن فهرست سیاه کردند. در سال‌های گذشته همچنین تلاش شده تا نشان داده شود که چمران از نهضت جدا شده بوده است.

سایت تاریخ ایرانی در گفت‌وگو با دکتر یزدی نقل قول ولایتی را طرح کرده است. آقای ولایتی اخیراً گفته: «شهید چمران عضو نهضت آزادی بود اما بعدا از اینها جدا شد. شهید چمران جزء حکومت‌ها می‌بود و وقتی دید اینها منتقد حکومت و حضرت امام و نظام شدند، از اینها جدا شد و در سمت امام ماند…» دکتر یزدی دراین‌باره گفته است: «… چمران عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و عضو هیات‌امنای روزنامه میزان به نام محک بود. چمران تمام صورت‌جلسات محک را امضا کرده است. ایشان به‌عنوان عضو شورای عالی دفاع به جبهه رفت. طبق قانون اساسی رهبر باید چمران به‌عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع انتخاب کند. ایشان به آقای خامنه‌ای و چمران حکم دادند. چمران هر وقت از جبهه به تهران می‌آمد، با ما دیدار می‌کرد. مگر نهضت آزادی شرکت سهامی است که کسی سهامش را بفروشد؟ … کسی دیده چمران حرفی خلاا بازرگان و نهضت آزادی بگوید یا انتقاد کند؟ چمران به‌عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع به جبهه می‌رفت و طبیعی است که دراین‌باره باید به رهبر انقلاب گزارش دهد. در یادنامه چمران آورده‌ام که چمران در اسفند ۱۳۵۹ به تهران آمد. وقتی همدیگر را دیدیم گله کرد که غرضی به ماشین‌های ما بزنن نمی‌دهد. حاضر نشد به دیدن امام برود و شکایت کند. من رقتن میام امام خمینی و گفتم آقا، ما در مجلس گرفتار بازی‌های سیاسی شده‌ایم. چمران به‌عنوان نماینده شما در جبهه است. برای چه او را اذیت می‌کنند؟ امام گفت که به او بگویید به دیدن من بیاید. پاسخ دادم که چمران گفته است دیگر تهران نخواهد آمد، یا آنجا می‌مانم و کشته می‌شوم یا اگر صدام شکست خورد، از همان‌جا به لبنان خواهم رفت. آقای خمینی، احمدآقا را صدا کرد و گفت به دکتر مصطفی بگو بیاید، من کارش دارم. در فروردین ۶۰ دکتر چمران به دیدار آقا رفت. آقا استمالت کرد. او هم حرف‌هایش را گفت. چمران به جبهه رفت. اردیبهشت برگشت، خواست که برود و به امام گزارش دهد. گفتند که آقا وقت ندارد. نگذاشتند. به من زنگ زد، گفت من به جبهه می‌روم، به آنها هم گفته‌ام اگر برگشتم، دوباره می‌ایم آقا را ببینم. این آخرین دیدار و تماس ما بود». همچنین در آرششو نهضت، آخرین سخنرانی چمران درباره گزارش از وضعیت جنگ وجود دارد، به تاریخ و شماره. با این حال تلاش زیادی در این سال‌ها انجام شده تا دو قرائت را از چمران نشان دهد و آن هم چمران نهضت آزادی است و چمران انقلاب اسلامی. باین‌حال ظاهرا چمران به دلیل مشغول‌شدن به ماجرای خودمختاری و تجزیه‌طلبی‌های اوایل انقلاب و البته جنگ ایران و عراق توانسته بود به ماجراهای سیاسی نهضت وارد شود و همین ادامه حضورش در سمت‌هایی که امام خمینی برای او تعریف کرده بود، محمل این جداسازی‌ها شده است.

چمران؛ جنگ و شهادت

چمران در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۰ با حکم امام (ره) به سمت مشاور شورای‌عالی دفاع ملی منصوب شد.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

تصاویر

- نشست کشورهای ساحلی خزر در تهران برگزار شد
- باهر، نایب‌رئیس مجلس: مجلس از سهمیه‌بندی کوتاه نمی‌آید
- افزایش تنش دیپلماتیک میان تهران و لندن
- مخالفت مجلس با ممنوعیت فعالیت تجاری مقامات
- در حل نظامی مسئله هسته‌ای ایران
- فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا حل نظامی مسئله هسته‌ای ایران را رد کرد
- وزیر امور خارجه ارمنستان: میان ارمنستان و آمریکا هیچ مسئله‌ای که با روابط ایران و ارمنستان مرتبط باشد، وجود ندارد
- دومین کابینه سارکوزی معرفی شد

ایران

- وزرای امورخارجه ۵ کشور ساحلی، برای نهایی‌کردن کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در تهران گرد هم آمدند
- حدادعادل در نشست هم‌اندیشی نجیب‌گان اصولگرا: تنها راه پیش‌روی اصولگرایان وحدت است
- باهر: مجلس تعویق سهمیه‌بندی بنزین را از دولت نمی‌پذیرد
- متکی: ایران دروازه طلایی انتقال انرژی دریای خزر است
- هاشمی‌شاهرودی: ایران از لحاظ سیاست قضائی از همه کشورها جلوتر است
- زربافان: احمدی‌نژاد از خطرقرمزهای ساختگی سیاست عبور کرد
- فیروزآبادی: ایران الگوی پیشرفت درزمینه انرژی هسته‌ای است

کیم‌جان

- فرمانده ارتش در پاسخ به تهدید اخیر پوش: نظامیان متجاوز دشمن را زنده نمی‌گذاریم
- رئیس‌جمهور در دیدار لاوروف: ایران قدرتمند به نفع روسیه است
- انتقاد وزیر خارجه عربستان از سیاست دوگانه غرب در قبال ایران
- حدادعادل: همه اصولگرایان باید از سازوکار وحدت تبعیت کنند
- وزیر ارشاد: قانون مبارزه با قاچاق فیلم گویا نیست به دنبال اعطای نشان ششولیه به سلمان رشدی مرتد، سفیر انگلیس در تهران به وزارت خارجه احضار شد
- مجلس تصویب کرد: هدایای دریافتی توسط مقامات، منتقل به دستگاه آت‌هاست

اقتصاد

- لاوروف: روسیه برای انجام کامل تعهداتش در قبال نبرگاه بوشهر آماده است
- سلطانی: لاریجانی و البرادعی فردا در وین گفت‌وگو می‌کنند
- سلطانی: بازگشت مجدد اصلاح‌طلبان به دلیل عملکرد دولت نهم حتی است
- دعوت ناطق‌نوری از مردم برای حضور گسترده در انتخابات
- رئیس قوه قضائیه: متأسفانه ارزش قانون اساسی خودمان را نمی‌دانیم
- نخست‌وزیر ترکیه: با اجازه دولت، به شمال عراق حمله می‌کنیم
- وزیر خارجه ارمنستان: آمریکا نباید از روابط تهران و ایروان نگران باشد

جمهوری اسلامی

- گسترش اعتراض مسلمانان علیه حمایت مجدد انگلیس از سلمان رشدی مرتد
- تلاش آمریکا برای براندازی دولت عراق
- دادستان کل کشور: ایران‌خودرو مسئول تأمین خسارت جانی و مالی حوادث پژو ۴۰۵ است
- «سی.ان.ان»: ۷۰۰ هزار کودک عراقی بی‌خانمان هستند
- سفیر جدید انگلیس: باید ۳۰ سال در افغانستان بمانیم
- براساس تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی، ذخایر ارزی ایران ۱۷۱/۷ میلیارد دلار افزایش یافت
- سفیر ایران در دیدار وزیر کشور عربستان: ایران و عربستان می‌توانند موجب آرامش و قدرت جهان اسلام شوند

اطلاعات

- وزیر دفاع خبر داد: جنگنده ایرانی «آذرخش» به‌زودی به پرواز درمی‌آید
- احمدی‌نژاد: ما باید برخی ویژگی‌های فرهنگی خود را به جوانان منتقل کنیم تا فردایی درخشان ایجاد شود
- با گسترش اعتراضات علیه اعطای نشان به «سلمان رشدی» مرتد: تنش میان پاکستان و انگلیس شدت گرفت
- رئیس‌جمهوری خواستار دستیابی به سهم واقعی ایران از تجارت جهانی شد
- طرح چهارماده‌ای رئیس‌ دولت اصلاحات برای پایان بحران فلسطین